

جان هوشیار

نویسنده

پِر کریستین یرسیلد

per Christian(per)jersild

مترجم

سحیح مسیحی

www.yetab.ir



نشر فرسار

۱۴۰۱

سرشناسه: یرسیلد، پر کریستیان، ۱۹۳۵-م.

-Jersild, P. C. (Per Christian), 1935

عنوان و نام پدیدآور: جان هوشیار/نویسنده پر کریستین یرسیلد؛ مترجم سعید مسیحا.

مشخصات نشر: ارومیه: فرسار، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۳۵ص؛ ۱۴/۵×۲۱×۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۰۷-۲۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: En levande själ : roman, c1980

موضوع: داستان‌های سوئدی -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: مسیحا، سعید، ۱۳۴۶-، مترجم

رده بندی کنگره: ۳۶/۹۸۷۶ PT

رده بندی دیویی: ۹۱۴/۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۲۹۸۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



نشر فرسار

جان هوشیار

نویسنده: (per Christian (pc) jersild) پر کریستین یرسیلد

مترجم: سعید مسیحا

ناشر: فرسار

طرح جلد: هادی ارجمند

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۰۷-۲۶-۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

ارومیه/خیابان امینی/ساختمان امیرچوپانی/طبقه ۴/واحد ۴
شماره تماس: ۰۹۱۴۴۴۰۲۸۰۰ • تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۵۱۴۸۷

nashre_farsar@yahoo.com

کلیه حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ می باشد

پیشگفتار

پر کریستین یرشیلد^۱ معروف به پی - س - یرشیلد^۲، نویسنده و روانپزشک سوئدی، متولد ۱۹۳۵ میلادی است. وی علاوه بر دکترای روانپزشکی دارای دو دکترای افتخاری، یکی از دانشکده پزشکی دانشگاه اوپسالا و دیگری در رشته مهندسی از انستیتوی سلطنتی فناوری استکهلم است. وی از سنین نوجوانی نوشتن را شروع کرد و اولین کتاب او در سن ۲۵ سالگی به چاپ رسید. از او بیش از ۳۵ کتاب به چاپ رسیده و بسیاری از آنها به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند. تعدادی نیز به عنوان فیلم‌نامه برای سریال و فیلم‌های بلند سینمایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ از جمله کتاب "شکار خوک‌ها" (۱۹۶۸) درباره تلاش‌های بوروکراتیک در زمینه ریشه‌کن کردن گرازهای یکی از استان‌های سوئد است. بسیاری از مفسرین این کتاب را استعاره‌ای از خاطرات رودولف هس^۳ در مورد بازداشتگاه آوشویتز می‌دانند.

نوشته‌های یرشیلد غالباً حاوی مفاهیم اجتماعی، علمی - تخیلی و طنز و در بردارنده دیدگاه‌هایی چالش‌برانگیز هستند. کتاب "جان هوشیار" نیز داستانی علمی - تخیلی با محتوایی نسبت به زمان خود چنان متفاوت و منحصر به فرد

^۱ Per Christian Jersild

^۲ P.C. Jersild

^۳ ss Rudolf Hö

بود که شاید اگر به دلیل موفقیت‌های پیشین نویسنده نبود کمتر ناشوری انتشار آن را می‌پذیرفت. راوی این داستان یک مغز جدا شده از بدن انسانی در حال مرگ است به نام ایسیلون که به آکوارיום منتقل شده است. یرشیلد خواننده را بی‌محابا و همگام با ایسیلون به آینده‌ای می‌برد که در آنجا تحقیقات علمی بر روی مغزهایی که ادراک، فکر و خودآگاهی را از دست نداده‌اند تعجب کسی را برنمی‌انگیزد. شرکتی خصوصی به نام بیوچین تحقیقات بر روی این مغزها را به منظور انجام فرآیندهای پیچیده فکری به انحصار خود درآورده و توجه هشت پای جهان سرمایه‌داری را نیز به خود جلب کرده است. کمیته نظارت بر تحقیقات هم ظاهراً هیچ مخالفتی با اینگونه تحقیقات و سرمایه‌گذاری‌ها ندارد.

بسیاری از پرسش‌های دانش پزشکی که هنوز هم بی‌پاسخ مانده‌اند هنگام وقوع این داستان جزو اطلاعات بدیهی علم پزشکی هستند و گویی بشر سال‌هاست که به پاسخ این پرسش‌ها دست یافته است. حتی فقدان قلب هم برای پایداری بیولوژیکی مغز مشکل بزرگی نیست و ایسیلون هم که هنوز یکی از چشم‌ها و هر دو گوشش را یدک می‌کشد، با شیوه‌ای غیرطبیعی ولی با کمک گرفتن از دانش پزشکی، محلول‌های غذایی و تکنیک‌های علمی که جایگزین عملکردهای بیولوژیکی بدن او شده‌اند به حیات خود در آکوارיום ادامه می‌دهد.

خواننده درون آکوارיום با ایسیلون همسفر می‌شود، در هر آنچه که او می‌بیند و تجربه می‌کند سهیم می‌شود و دیگر حیوانات و کارمندان آزمایشگاه بیوچین را ملاقات می‌کند. بیوچین مالک تام و حقوقی ایسیلون است و قانوناً اجازه دارد هر آزمایشی را که بخواهد بر روی او انجام دهد. محققین آزمایشگاه بیوچین برای اینکه گنجایش مغزی ایسیلون را بالا ببرند تمام خاطرات و دیگر احساسات "زائد" او را توسط شوک‌های الکتریکی از بین می‌برند. انتقاد نویسنده از جو غیرانسانی و سرد حاکم بر مراقبت‌های پزشکی، همراه با پرسش‌هایی با ماهیتی اخلاقی هسته مرکزی داستان را تشکیل می‌دهد و نوک تیز پیکان این رمان متوجه بعضی تحقیقات علمی و کرامت انسانیت و همزمان حس همبستگی و همدردی بین انسان‌ها را نیز به چالش می‌کشد.